



## Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Accounting Conservatism: Moderating Role of Audit Quality

Rahman Doostian<sup>1</sup>, Omid Farhad Touski<sup>2\*</sup>

1. Assistant Professor of Accounting Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

2. Assistant Professor of Accounting Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. \* Corresponding Author

Received: 2024/11/28

Accepted: 2024/05/04

### Abstract

Conservatism can lead to reducing agency costs in contracts and limit the opportunistic behavior of the company's manager in financial reporting. A strong corporate governance structure will lead to better supervision of the manager, production of timely accounting information and increasing speed of identifying bad news to inform the board of directors and to take necessary measures and a higher degree of conservatism. The main purpose of this study was to investigate the relationship between corporate governance mechanisms and accounting conservatism in 104 companies listed on the Tehran Stock Exchange during 2016-2020. The independent variable of corporate governance was measured by the size of board of directors, independence of members of board of directors and CEO (chief executive officer) duality, and Khan and Watts model was used to measure the dependent variable of conservatism. The moderating variable of audit quality was measured by the size of the audit firm. The research method was correlational, and multivariable regression was used using panel data with random effects regression model approach. The findings showed that there was a negative and significant relationship between the independence of members of board of directors, the CEO duality, auditor type and the level of accounting conservatism. The number of members of board of directors had no effect on the level of accounting conservatism. Companies that had more non-executive members in the board of directors tended to apply less accounting conservatism. Companies where the CEO was also the chairman of the board of directors were less conservative. Companies that were audited by the audit organization were less conservative.

**Keywords:** Corporate governance mechanisms, Accounting conservatism, CEO duality, Independence of members of board of directors



## ارتباط سازوکارهای راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری: نقش تعدیلگر کیفیت حسابداری

رحمان دوستیان<sup>۱</sup>، امید فرهاد توسکی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.  
۲. استادیار گروه حسابداری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

### چکیده

محافظه‌کاری می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی در قراردادهای محدود کردن رفتار فرصت طلبانه مدیریت شرکت در گزارشگری مالی گردد. ساختار راهبری شرکتی قوی نیز منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به‌موقع و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم و درجه بالاتری از محافظه‌کاری گردد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در ۱۰۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. متغیر مستقل راهبری شرکتی با معیار اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل اندازه‌گیری شده است و برای اندازه‌گیری متغیر وابسته محافظه‌کاری از مدل خان و واتس استفاده شده است. متغیر تعدیلگر کیفیت حسابداری با معیار اندازه مؤسسه حسابداری اندازه‌گیری شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی بوده و از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی با رویکرد مدل رگرسیون اثرات تصادفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای استقلال اعضای هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تعداد اعضای هیأت مدیره تأثیری بر میزان محافظه‌کاری حسابداری ندارد. در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیر مؤلف بیشتری در هیأت مدیره دارند کمتر به اعمال محافظه‌کاری حسابداری روی می‌آورند. در شرکت‌هایی که مدیرعامل هم‌زمان رئیس هیأت مدیره نیز است کمتر از محافظه‌کاری حسابداری استفاده می‌کنند. شرکت‌هایی که حسابداری آنان توسط سازمان حسابداری انجام شده است میزان محافظه‌کاری حسابداری کمتر است.

**واژه‌های کلیدی:** مکانیزم‌های راهبری شرکتی، محافظه‌کاری حسابداری، دوگانگی نقش مدیرعامل، استقلال اعضای هیأت مدیره.

## مقدمه

این پژوهش به بررسی رابطه بین ساز و کارهای شرکتی<sup>۱</sup> و محافظه‌کاری حسابداری<sup>۲</sup> با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. تفکیک مالکیت و مدیریت می‌تواند منجر به دسترسی بیشتر مدیران به اطلاعات مربوط به عملیات شرکت و مدیریت آن شود. در ضمن، منبع اصلی اطلاعاتی اکثر فعالان بازار سرمایه (سهامداران)، گزارش‌های مالی منتشرشده از جانب مدیریت شرکت‌هاست که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. وجود مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی جهت حفظ منافع سهامداران ضروری است. در این میان جهت حفظ منافع سهامداران، اصل محافظه‌کاری مطرح است. سهامداران همواره نگران نحوه اجرای اصول محافظه‌کاری حسابداری در برآوردهای مالی توسط مدیریت هستند؛ زیرا محافظه‌کاری اغلب منجر به حفاظت بهتر از سهامداران می‌شود. یکی از دلایل افزایش علاقه به محافظه‌کاری حسابداری این است که همه بخش‌های حسابداری توسط استانداردهای حسابداری تحت پوشش قرار نمی‌گیرد و بسیاری از حوزه‌های حسابداری نیاز به قضاوت‌های مدیران دارد که می‌تواند منجر به رفتار و تصمیم‌های محافظه‌کارانه گردد. بنابراین، سطح محافظه‌کاری حسابداری بستگی به تخمین‌های یک مدیر دارد (نصر و نتیم، ۲۰۱۸).

برای کنترل برآوردهای مدیران و حفظ گزارش‌های محافظه‌کارانه، مدیران باید با ایجاد تعدادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی کنترل شوند؛ به عنوان مثال، حضور تعداد بیشتری مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره می‌تواند فرایند نظارت را افزایش دهد و مدیران، محافظه‌کاری بیشتری را در گزارشگری مالی اعمال کنند. محافظه‌کاری حسابداری، یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مالی است که به معنای کاربرد درجه‌ای از مراقبت در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام می‌باشد؛ به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نگردد؛ به عبارت دیگر، محافظه‌کاری حسابداری را می‌توان به عنوان گرایش حسابداری برای به‌کارگیری درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف کرد.

در «مفاهیم نظری گزارشگری مالی» پیوست استانداردهای حسابداری ایران، محافظه‌کاری یا همان احتیاط این‌گونه تعریف شده است: «احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود». محافظه‌کاری حسابداری که به مشروط و نامشروط تقسیم می‌شود، منجر به نتایجی همچون بهبود کیفیت گزارشگری مالی، بازشناختن اهمیت تأییدپذیری و نقش تأییدپذیری نامتقارن در رفع برخی مشکلات و نیز کاهش احتمال بیش‌نمایی سود و پرداخت سود سهام تصفیه می‌شود. محافظه‌کاری حسابداری توسط راج و تیلور (۲۰۱۵) به عنوان "گرایش به استفاده از سیاست‌ها و روش‌ها برای کاهش ارزش دارایی‌های خالص با توجه به ارزش خالص اقتصادی آنها" تعریف شده است. به اختصار می‌توان بیان کرد که محافظه‌کاری محدودیتی است که توانایی و تمایل رفتار فرصت‌طلبانه در مدیران را کاهش می‌دهد و در جای خود به کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها منجر می‌گردد. از طرف دیگر، نظام راهبری شرکت نیز با مکانیزم‌های خود می‌تواند از قدرت مدیران در پیگیری منافع شخصی بکاهد و با این کار، ارزش شرکت بین کلیه ذی‌نفعان شرکت به صورت مناسب توزیع شود. استنباط می‌شود در مواردی که ساختار نظام راهبری شرکت ضعیف است، برای کاهش عدم اطمینان، تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش یابد و محافظه‌کاری به عنوان جانشین نظام راهبری شرکت عمل کند (چی، لیو، و وانگ، ۲۰۰۹). و در شرکت‌های با ساختار قوی در راهبری شرکت، به علت نظارت بیشتر بر مدیریت از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده شود (لیم، ۲۰۱۱). بنابراین، کیفیت نظام راهبری شرکت تأثیر بسزایی در میزان محافظه‌کاری به کار رفته در صورت‌های مالی دارد.

برخی پژوهش‌ها مانند احمد و هنری (۲۰۱۲) و الشاندیدی و حسنین (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌توانند سطح محافظه‌کاری حسابداری را افزایش دهند. از سوی دیگر، برخی دیگر از پژوهش‌ها مانند چی، لیو، و

وانگ (۲۰۰۹) و لیم (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از قبیل اندازه هیأت مدیره و استقلال هیأت مدیره می‌تواند محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهند. با این حال، پژوهش‌های قبلی تأکید می‌کند که مکانیزم‌های مؤثر حاکمیت شرکتی می‌تواند رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود کند. بنابراین آن‌ها را در گزارش‌های مالی خود محافظه‌کارتر می‌کند.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری است. متغیر مستقل حاکمیت شرکتی با معیار اندازه هیأت مدیره<sup>۱</sup>، استقلال اعضای هیأت مدیره<sup>۲</sup>، دوگانگی نقش مدیرعامل<sup>۳</sup> و متغیر تعدیل‌گر توسط نوع حسابرس<sup>۴</sup> اندازه‌گیری شده است و برای اندازه‌گیری متغیر وابسته محافظه‌کاری از مدل خان و واتس استفاده شده است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در مورد رابطه حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در کشورهای توسعه یافته (نه در کشورهای در حال توسعه) صورت گرفته است. نتایج پژوهش‌های قبلی نیز با هم در تناقض است؛ زیرا هر کدام از آنها برای بررسی محافظه‌کاری و حاکمیت شرکتی از معیارهای متفاوت استفاده کرده‌اند. در ایران نیز با توجه به وجود چندین روش قابل قبول حسابداری و آزادی عمل در انتخاب این روش‌ها، محافظه‌کاری توسط مدیریت وجود دارد؛ بنابراین، پژوهش در مورد محافظه‌کاری از این لحاظ که می‌تواند موجب درک بهتر مفهوم محافظه‌کاری شود، ضروری به نظر می‌رسد. سهم مقاله حاضر در دانش‌افزایی ادبیات موجود بدین صورت است که پژوهش حاضر در زمره محدود پژوهش‌های داخلی می‌باشد که به بررسی راهبری شرکتی پرداخته و با بررسی تجربی پیامدهای راهبری شرکتی، ادبیاتی را که ارتباط بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری را بررسی می‌کنند، در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران گسترش می‌دهد. این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با محافظه‌کاری و نظام راهبری و همچنین مشخص نمودن نوع رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردد. از این رو، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه رابطه‌ای بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. رابطه بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری با کیفیت حسابرسی تعدیل می‌شود. در ادامه مقاله، با ارائه مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش تدوین شده و توضیح کاملی از نحوه اندازه‌گیری متغیرها داده شده است. سپس مدل پژوهش توضیح داده شده و نتایج و یافته‌های حاصل از اجرای مدل بیان گردیده است. درخاتمه مقاله نیز به ارائه پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش پرداخته شده است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تئوری نمایندگی

یکی از فرضیات اصلی تئوری نمایندگی<sup>۵</sup> این است که کارگزار و کارگزاران تضاد منافع دارند و این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را دنبال کنند و توجهی به منافع بلندمدت سهامداران نداشته باشند. تئوری نمایندگی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در ادبیات مدیریت و اقتصاد در نظر گرفته می‌شود (دیلی، دالتون و راجاگوپالان، ۲۰۰۳؛ واسرمن، ۲۰۰۶). تئوری نمایندگی که اغلب در رابطه با مسائل حاکمیت شرکتی به کار می‌رود، نظریه‌ای است که مسائلی را که به دلیل جدایی مالکان و مدیران در بنگاه‌ها ایجاد می‌شود مورد بحث قرار می‌دهد و بر کاهش این مسئله تأکید می‌کند. این نظریه به پیاده‌سازی مکانیزم‌های مختلف حاکمیتی برای کنترل عملکرد نمایندگان در شرکت کمک می‌کند. در یک شرکت سهامی، مالکیت در اختیار افراد یا گروه‌هایی به شکل سهام است و این سهامداران (مالکان) این اختیار را به مدیران (نمایندگان) واگذار می‌کنند تا واحد تجاری را از طرف خود اداره کنند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ راس، ۱۹۷۳)؛ اما مسئله اصلی این است که آیا این مدیران در جهت منافع مالکان کار می‌کنند یا در جهت منافع خودشان؟ بر اساس تئوری

1. Board size

2. Board independence

3. Separation of chairman and chief executive officer (CEO) roles or Chief executive officer duality

4. Auditor type

5. Agency theory

نمایندگی، مسئول دانستن مدیران در قبال کارهایی که انجام می‌دهند یکی از مسائل اصلی حاکمیت شرکتی است. نظریه پردازان تئوری نمایندگی معتقدند که مکانیزم‌های حکمرانی خوب می‌تواند به کاهش تعارض نمایندگی کمک کند.

### تئوری مباشرت

نظریه مباشرت<sup>۱</sup> به عنوان یک جایگزین (برخی ممکن است بگویند "مکمل") برای نظریه نمایندگی ارائه می‌شود. برخلاف نظریه نمایندگی که بر کنترل و تعارض تمرکز دارد، نظریه مباشرت بر همکاری و تشریک مساعی تاکید دارد (سانداراموتی و لوئیس، ۲۰۰۳). برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که نظریه مباشرت راهی جایگزین برای مفهوم‌سازی رابطه مدیر/نماینده ارائه می‌دهد و برای اعضای هیئت مدیره و مدیران شرکت‌ها به کار گرفته شده است. این نظریه وجود مشکلاتی را که توسط نظریه نمایندگی شناسایی شده و بر آنها متمرکز شده است رد می‌کند؛ نظریه مباشرت مانند تئوری نمایندگی تلاش می‌کند تا نقش و رفتار مدیران را در دستیابی به اهداف شرکت توضیح دهد (کریسمن و همکاران، ۲۰۰۷)؛ در حالی که، مانند نظریه نمایندگی اعتقاد دارد که نوعی از نمایندگی در محیط شرکت وجود دارد؛ تفاوت آن در این است که اساساً معتقد است که نمایندگان/مدیرانی که به عنوان مباشر عمل می‌کنند، نگران تقویت منافع اقتصادی خود نیستند، بلکه می‌خواهند به نفع شرکت خود عمل کنند و به گونه‌ای عمل خواهند کرد که به سودمندی جمعی/سازمانی به جای منافع شخصی منجر شود و در تلاش برای اهداف سازمانی، نیازهای شخصی آنها برآورده شود. بنابراین، بین منافع مدیر و شرکت همسویی وجود دارد. برخلاف نظریه نمایندگی، که همسو کردن منافع مدیران با منافع مالکان را یک نیاز می‌بیند، نظریه مباشرت، منافع مدیران را قبلاً (در زمان انتصاب مدیران) با منافع مدیران همسو می‌داند.

### راهبری شرکتی و محافظه‌کاری

پژوهش‌های مختلفی برای شناخت عوامل موثر بر محافظه‌کاری حسابداری انجام شده است. یکی از آنها مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی خوب است. ارتباط نزدیکی بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد (لیم، ۲۰۱۱). حاکمیت شرکتی به عنوان مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها تعریف می‌شود که تضمین می‌کند دارایی‌های یک شرکت به روشی کارآمد مدیریت می‌شود (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷)، زیرا مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، ابزاری برای حفظ اجرای محافظه‌کاری حسابداری و کاهش تعارض نمایندگی هستند. این نشان می‌دهد که وجود مکانیزم‌های قوی‌تر حاکمیت شرکتی، منجر به نظارت بهتر مدیران و در نتیجه تقاضای بالاتر برای محافظه‌کاری حسابداری می‌شود.

طبق نظر زلمیانتی (۲۰۱۴)، محافظه‌کاری حسابداری برای جلوگیری از رفتارهای مدیریت فرصت طلب مرتبط با قراردادهای که می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برساند استفاده می‌شود. محافظه‌کاری حسابداری و حاکمیت شرکتی به عنوان تلاشی برای ایجاد تعادل بین اقدامات فرصت طلبانه مدیریت با الزام به کاهش در اطلاعات نامتقارن انجام می‌شود. محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های اساسی صورت‌های مالی با کیفیت است؛ زیرا با تسهیل نظارت مؤثر بر مدیران و قراردادهای به عنوان بخشی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، قابلیت اطمینان صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ باسو، ۲۰۰۵). با توجه به این که محافظه‌کاری مستلزم شناسایی به موقع زیان است تا سود و اجتناب از برآورد بیش از حد ارزش شرکت؛ بنابراین ریسک ورشکستگی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد (وانگ، ۲۰۰۹). چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری شرکتی قوی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیریت، از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده کرده‌اند؛ در حالی که مدیران در شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری ضعیف، انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری به طور صحیح را نداشته و بالعکس انگیزه بیشتری برای رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت. بر اساس این دیدگاه، نظارت بهتر توسط مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، منجر به محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و اطمینان از عدم انجام اقدامات یک‌جانبه مدیریت به نفع خویش می‌گردد.

...

**پیشینه تجربی**

حاجاویا و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با هدف تحلیل تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی خوب (مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و مدیرعامل مستقل) بر محافظه‌کاری حسابداری با تأکید بر اهرم به عنوان متغیر تعدیل‌کننده انجام دادند. این پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت نهادی و مدیرعامل مستقل، تأثیر مثبت معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارند؛ در حالی که مالکیت مدیریتی، تأثیر منفی معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. اهرم، تأثیر مالکیت مدیریتی و مدیرعامل مستقل را بر محافظه‌کاری حسابداری تعدیل می‌کند. اما تأثیر مالکیت نهادی را بر محافظه‌کاری حسابداری تعدیل نمی‌کند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند روی عملکرد محافظه‌کاری حسابداری در شرکت تأثیر بگذارد. نصر و تیم (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری" به بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری در کشور مصر پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که استقلال هیأت مدیره با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنادار مثبتی دارد. در مقابل، اندازه هیأت مدیره و نوع حسابرس با محافظه‌کاری حسابداری، رابطه معنادار منفی دارد؛ در حالی که جداسازی نقش رئیس و مدیرعامل در رابطه با حسابداری، محافظه‌کارانه نیست.

الشانیدی و حسنین (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری" به بررسی تأثیر اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیر عامل بر محافظه‌کاری در کشور بریتانیا پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که اندازه هیأت مدیره با محافظه‌کاری رابطه معنادار مثبتی ندارد اما استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش هیأت مدیره با محافظه‌کاری رابطه معنادار و مثبت دارد.

احمد و هنری (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری" به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در کشور استرالیا پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

هو (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و محافظه‌کاری در حسابداری" به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و محافظه‌کاری پرداخت؛ نتایج این پژوهش نشانگر رابطه منفی بین نسبت اعضای مؤلف هیأت مدیره با محافظه‌کاری، رابطه منفی اندازه هیأت مدیره با محافظه‌کاری و استفاده هیأت مدیره‌های قوی از محافظه‌کاری در حسابداری بوده است.

هدف پژوهش جلیلی و اسعدی (۱۴۰۱) تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد؛ یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که متغیرهای اندازه هیأت مدیره، درصد مالکیت نهادی و میزان سهام شناور بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارند؛ در حالی که میزان درصد مالکیت هیأت مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری ندارد. درخشانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر سازوکار راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط" به بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط طی دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ با استفاده از داده‌های ۱۲۵ شرکت از کشور ایران پرداخت؛ نتایج پژوهش نشان داد که مکانیسم‌های راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط تأثیر مثبت معنا داری دارد.

ناظمی اردکانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی" به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ با استفاده از داده‌های ۹۰ شرکت از کشور ایران پرداخت؛ نتایج پژوهش نشان داد که اضافه نمودن متغیرهای حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری، تأثیری در ارتقای صحت پیش‌بینی عملکرد مالی در مدل‌های مبتنی بر شبکه‌های عصبی ندارند.

رشیدیان، پاک‌مرام، بیک زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی" به بررسی رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از داده‌های ۸۳ شرکت از کشور ایران پرداختند؛ نتایج پژوهش نشان داد که درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه‌کاری شرطی حسابداری تأثیر دارد و از بین

متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل (اندازه شرکت و اهرم مالی)، اندازه شرکت رابطه مثبت با محافظه‌کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه‌کاری شرطی حسابداری دارد. مرادزاده فرد، بنی مهد، دینداریزدی (۱۳۹۰) در پژوهش با عنوان "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی" به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی طی دوره ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ با استفاده از داده‌های ۷۱ شرکت از کشور ایران پرداختند؛ نتایج پژوهش، بیانگر این مطلب است که به دلیل محدودیت پایین بودن حجم نمونه آماری و با توجه به مدل بال و شیوا کومار به تعداد مشاهدات زیاد و در طول دوره زمانی طولانی، مدل یاد شده در ایران از لحاظ آماری معنی دار نبوده و امکان استفاده از این روش در ایران در حال حاضر میسر نمی‌باشد. همچنین یافته‌های این تحقیق درخصوص ارتباط بین محافظه‌کاری و نظام راهبری شرکتی بیانگر وجود رابطه مثبت بین درصد مالکیت نهادی سهام و درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و رابطه منفی بین تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره از مدیرعامل با محافظه‌کاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

### فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخگویی به سوال‌های پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: کیفیت حسابرسی، رابطه بین ساز و کار راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

#### روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است؛ زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می‌نماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس‌رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود.

داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک‌های اطلاعاتی استخراج شده است. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در بانک‌های اطلاعاتی، به آرشیوهای دستی موجود در کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار و سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. پس از جمع‌آوری داده‌هایی که برای انجام تحقیق مورد نیاز است، انتخاب ابزاری مناسب به منظور محاسبه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به متغیرها اهمیت خاصی دارد. به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها به اطلاعات مورد نیاز تحقیق و همچنین تجزیه و تحلیل آنها، از نرم‌افزارهای *Excel* و *Eviews9* استفاده شده است.

### جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است؛ بدین منظور آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می‌شوند. (۱) سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد. (۲) شرکت‌های تحت بررسی جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند. (۳) اطلاعات و داده‌های آنها در دسترس باشد. (۴) معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه

...

ماه نداشته باشد. با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۰۴ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

### اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

**متغیر وابسته - محافظه‌کاری (CONS):** محافظه‌کاری مشروط، محافظه‌کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد (بازده منفی سهام) و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب (بازده مثبت سهام) و مطلوب؛ مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه‌کاری مشروط است. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود و زیانی و یا محافظه‌کاری گذشته نگر می‌گویند. باسو (۱۹۷۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالاتری از تایید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید؛ این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیانی توصیف می‌نماید که نشان‌دهنده محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. این تعریف با توجه به مطالعات انجام شده در بازار سرمایه توسط تحقیق لاوا و ساها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین تفسیر قراردادی و حقوقی از تفاسیر محافظه‌کاری منجر به اعمال محافظه‌کاری مشروط می‌شود (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۵).

خان و واتس (۲۰۰۹) برای سنجش محافظه‌کاری شرطی مدل باسو را بسط دادند؛ آنان معتقدند که محافظه‌کاری حسابداری و وقوع اخبار بد به ویژگی‌های داخلی هر شرکت بستگی دارد. در این مدل، اخبار خوب با شاخص  $G-Score$  و اخبار بد با شاخص  $C-Score$  مشخص می‌شوند که هر یک به سه متغیر توضیحی اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن و نسبت اهرم مالی بستگی دارد:

$$E_t/P_t = \beta_0 + \beta_1 RET + \beta_2 D_t + \beta_3 \times D_t \times RET_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$G - SCORE = \beta_1 = \mu_0 + \mu_1 SIZE + \mu_2 M/B + \mu_3 LEV \quad (2)$$

$$C - SCORE = \beta_3 = \gamma_0 + \gamma_1 SIZE + \gamma_2 M/B + \gamma_3 LEV \quad (3)$$

مدل (۱) همان مدل باسو است. در معادله‌های (۲) و (۳) متغیر  $SIZE$  از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت، متغیر  $M/B$  از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن و  $LEV$  از طریق نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها محاسبه می‌شوند. متغیر  $D$  بیانگر متغیر مجازی یا ساختگی مدل می‌باشد. این متغیر، زمانی که بازده سهام منفی باشد ارزش یک و در صورتی که بازده سهام مثبت باشد ارزش صفر را به خود می‌گیرد. در مرحله بعد، برابری‌های (۲) و (۳) به جای ضرایب  $\beta_1$  و  $\beta_2$  در مدل باسو (۱) واقع شده و مدل خان و واتس به صورت زیر شکل می‌گیرد:

$$E_{i,t}/P_{i,t} = \beta_0 + RET_{i,t}(\mu_0 + \mu_1 SIZE_{i,t} + \mu_2 M/B_{i,t} + \mu_3 LEV_{i,t}) \quad (4)$$

$$+ \beta_2 D_{i,t} + D_{i,t} \times RET_{i,t}(\gamma_0 + \gamma_1 SIZE_{i,t} + \gamma_2 M/B_{i,t} + \gamma_3 LEV_{i,t})$$

$$+ \delta_1 + \delta_2 SIZE_{i,t} + \delta_3 M/B_{i,t} + \delta_4 LEV_{i,t} + \delta_5 D_{i,t} \times SIZE_{i,t}$$

$$+ \delta_6 D_{i,t} \times M/B_{i,t} + \delta_7 D_{i,t} \times LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای سنجش محافظه‌کاری در میان شرکت‌های نمونه، باید ابتدا مدل (۴) را با استفاده از داده‌های مقطعی سالانه برای هر شرکت و به روش رگرسیون دو مرحله‌ای فاما و مکبث برآورد نمود و پارامترهای حاصل از میانگین ضرایب را -در برآوردهای



مختلف- محاسبه کرد. سپس، مقادیر محاسبه شده برای  $\lambda_i$ ها در معادله (۳) قرار داده شود و شاخص محافظه‌کاری برای هر شرکت محاسبه گردد. هرچه شاخص  $C-Score$  برای شرکت بالاتر باشد، محافظه‌کاری نیز بالاتر خواهد بود.

**متغیر مستقل - حاکمیت شرکتی (CG):** حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از قوانین و روش‌هاست که رابطه بین سهامداران، مدیریت و اعضای هیأت‌مدیره را تعریف می‌کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. برای محاسبه حاکمیت شرکتی از معیارهای مختلفی استفاده می‌شود. با این وجود چندین معیار نسبت به سایر معیارها کاربرد بیشتری دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

**اندازه هیأت‌مدیره (BSIZE):** تعداد اعضای هیأت‌مدیره بیانگر اندازه هیأت‌مدیره است. تعداد اعضای هیأت‌مدیره از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**استقلال اعضای هیأت‌مدیره (NXD):** برای اندازه‌گیری این متغیر از نسبت تعداد مدیران غیر مؤلف<sup>۱</sup> به تعداد کل اعضای هیأت‌مدیره استفاده شده است. تعداد مدیران غیر مؤلف از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**دوگانگی نقش مدیر عامل (CEOD):** اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد به این وضعیت دوگانگی نقش مدیرعامل گفته می‌شود؛ در صورتی که در شرکتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت‌مدیره نیز باشد، از متغیر مجازی یک و چنانچه مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره نباشد متغیر مجازی صفر می‌پذیرد. عضویت یا عدم عضویت مدیر عامل در هیأت‌مدیره از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**متغیر تعدیلگر - کیفیت حسابرسی (AUDIT):** برای تعیین کیفیت حسابرسی از معیار " نوع حسابرس " یا همان " اندازه مؤسسه حسابرسی " به صورت متغیر مجازی استفاده شده است. در این پژوهش، سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت و در مقابل سایر موسسات حسابرسی (موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی)- که اندازه آنها نسبت به سازمان حسابرسی کوچکتر است- به عنوان موسسات دارای اعتبار و شهرت پایین در نظر گرفته شده است. در صورتی که حسابرس شرکت صاحب کار طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه مؤسسه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر در نظر گرفته شده است.

**متغیرهای کنترلی:** براساس پژوهش‌های پیشین، جهت کنترل تأثیر برخی از متغیرها بر متغیر وابسته، از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شده است (احمد و دالمن، ۲۰۰۷؛ چی و همکاران، ۲۰۰۹؛ کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

**اندازه شرکت (FSIZE):** معیار اندازه شرکت<sup>۲</sup> در پایان سال است و بر اساس لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. شرکت‌های بزرگتر به علت وجود حساسیت‌های سیاسی بیشتر، محافظه‌کاری بیشتری اعمال می‌نمایند (تئوری هزینه سیاسی). از این‌رو، اندازه شرکت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر محافظه‌کاری شرکت‌ها داشته باشد. انتظار می‌رود رابطه مثبت وجود داشته باشد.

**رشد شرکت (SALESGR):** معیار فرصت رشد شرکت در پایان سال است و از حاصل تقسیم تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل بر فروش سال قبل به دست می‌آید. رشد فروش<sup>۳</sup>، اقلام تعهدی نظیر موجودی و حسابهای دریافتی و به تبع آن جریان‌های نقدی عملیاتی را تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش محافظه‌کاری می‌گردد. انتظار می‌رود رابطه منفی وجود داشته باشد.

1 . Non-executive directors

2 . Firm size

3 . Sales growth

...

- **اهرم مالی (LEV):** از تقسیم ارزش دفتری کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها، اهرم<sup>۱</sup> مالی به دست می‌آید. افزایش نسبت بدهی که در نتیجه افزایش هزینه بهره به وجود می‌آید می‌تواند منجر به ارائه سود پایین‌تر و در نتیجه ارائه محافظه‌کاری بیشتر گردد. انتظار می‌رود رابطه مثبت وجود داشته باشد.

- **سودآوری شرکت (PROF):** معیار سودآوری<sup>۲</sup> شرکت است و از تقسیم سود خالص بعد از کسر مالیات بر درآمد فروش شرکت به دست می‌آید. افزایش نرخ بازه فروش - که در نتیجه افزایش سود به وجود می‌آید - می‌تواند منجر به ارائه سود بالاتر و در نتیجه ارائه محافظه‌کاری کمتر گردد. انتظار می‌رود رابطه منفی وجود داشته باشد.

### مدل‌های آماری پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. مدل به کار رفته در روش رگرسیونی چند متغیره جهت آزمون فرضیه‌ها به صورت زیر تدوین شده است.

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 NED_{it} + \beta_3 CEOD_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_j Control\ Variables_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 NED_{it} + \beta_3 CEOD_{it} + \beta_4 AUDIT_{it} + \beta_5 BSIZE \times AUDIT_{it} + \beta_6 NED \times AUDIT_{it} + \beta_7 CEOD \times AUDIT_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_j Control\ Variables_{it} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

### یافته‌های پژوهش

#### تحلیل توصیفی

در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداکثر مشاهدات، حداقل مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است؛ نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، میانگین متغیر محافظه‌کاری برابر با ۷/۴۰ است و هرچه مقدار شاخص محافظه‌کاری شرکتی بیشتر از میانگین باشد، محافظه‌کاری در صورت‌های مالی شرکت بیشتر خواهد بود و هرچه مقدار شاخص محافظه‌کاری شرکتی کمتر از میانگین باشد، محافظه‌کاری در صورت‌های مالی شرکت کمتر خواهد بود. آمارهای توصیفی برای اندازه هیأت مدیره نشان می‌دهد که حداکثر تعداد اعضای هیأت مدیره ۸ و حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها ۳ نفر است. علاوه بر آن، میانگین درصد استقلال اعضای هیأت مدیره ۰/۵۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین ۵۵ درصد اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها مستقل هستند. میانگین متغیر دوگانگی نقش مدیر عامل ۰/۵۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین در ۵۵ درصد شرکت‌ها مدیر عامل، سمت رئیس هیأت مدیره را نیز دارد. میانگین متغیر نوع حسابرس ۰/۲۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین ۲۵ درصد شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند. میانگین متغیر اندازه شرکت ۶/۱۶ و میانگین متغیر سودآوری ۰/۲۴ و میانگین متغیر اهرم مالی ۰/۶۲ و میانگین متغیر رشد فروش ۳۹/۰۷ است.

1 . Leverage

2 . Profitability

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	آماره j-b	احتمال	
محافظه‌کاری حسابداری	CONS	۰/۰۹۵	۱/۳۰۱	۴/۰۵۳	-۵/۰۳۵	۰/۹۴۸	۲/۳۲۲	۰/۳۷۱	
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	۵/۶۷۸	۵	۷	۵	۰/۵۹۰	۱/۳۲۳	۰/۴۳۴	
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	۰/۶۵۰	۰/۶۰۰	۱	۰	۰/۳۳۵	۵/۹۸۴	۰/۲۶۷	
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	۰/۵۵۰	۱	۱	۰	۰/۵۰۰	۸/۶۷۵	۰/۱۴۵	
نوع حسابرس	AUDIT	-۰/۲۵۵	۰	۱	۰	۰/۴۳۰	۱/۲۸۰	۰/۴۴۰	
اندازه شرکت	FSIZE	۶/۱۶۶	۶/۱۵۵	۸/۲۸۲	۴/۵۶۵	۰/۵۷۵	۹/۷۸۷	۰/۰۸۷	
سودآوری	PROF	-۰/۱۲۱	۰/۱۱۲	۰/۳۹۸	-۰/۱۰۲	۰/۱۳۲	۲/۱۱۹	۰/۳۸۸	
اهرم مالی	LEV	-۰/۶۲۵	۰/۶۳۴	۲/۲۲۰	-۰/۰۱۲	۰/۲۶۹	۷/۷۴۰	۰/۱۹۱	
رشد فروش	SALESGR	۰/۱۳۹	۰/۱۱۹	۱/۲۵۶	-۰/۱۶۸	۰/۳۷۳	۳/۵۳۲	۰/۳۱۱	
نام متغیر	نماد	نوع طبقه	فراوانی	درصد					
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	مدیرعامل رئیس هیأت مدیره هست	۲۸۵	۵۴/۸۱۰					
		مدیرعامل رئیس هیأت مدیره نیست	۲۳۵	۴۵/۱۹۰					
نوع حسابرس	AUDT	حسابرسی توسط سازمان حسابرسی	۱۲۸	۲۴/۶۲۰					
		حسابرسی توسط سایر موسسات	۳۹۲	۷۵/۳۸۰					

تحلیل همبستگی

با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها (تحلیل تک متغیره) می‌پردازیم و با توجه به نتایج نگاره (۲) می‌توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می‌توان به بررسی دقیق‌تر این روابط پرداخت. به منظور محاسبه ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. بین اندازه هیأت مدیره و استقلال اعضای هیأت مدیره، همبستگی معادل ۰/۱۶- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین اندازه هیأت مدیره و رشد فروش، همبستگی معادل ۰/۱۰- با معناداری کمتر از ۵ درصد وجود دارد. بین استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیر عامل، همبستگی معادل ۰/۱۵- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین استقلال اعضای هیأت مدیره و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۹- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین نوع حسابرس و اندازه شرکت، همبستگی معادل ۰/۲۵ با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین نوع حسابرس و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۰ با معناداری کمتر از ۵ درصد وجود دارد. بین اندازه شرکت و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۵ با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد.

نگاره ۲. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

نماد	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)
(۱) CONS	۱								
(۲) BSIZE	-۰/۰۴۱	۱							
(۳) NXD	۰/۰۰۱	-۰/۱۶۶***	۱						
(۴) CEOD	-۰/۰۱۱	۰/۰۵۴	-۰/۱۵۱***	۱					
(۵) AUDIT	-۰/۰۰۲	-۰/۰۴۵	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۱	۱				
(۶) FSIZE	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۱	۰/۰۲۵	۰/۰۳۲	۰/۲۵۱***	۱			
(۷) PROF	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۴	-۰/۰۲۵	۰/۰۳۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۱		
(۸) LEV	-۰/۰۵۲	-۰/۰۴۲	-۰/۱۹۱***	۰/۱۴۱***	۰/۱۰۱**	۰/۱۵۱***	-۰/۰۴۴	۱	
(۹) SALESGR	-۰/۰۰۵	-۰/۱۰۱**	۰/۰۲۲	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	۱

\*\*\*بیانگر معناداری در سطح ۰،۱۰، ۵، ۱ درصد است

### مانایی متغیرهای پژوهش

یک متغیر، وقتی ملناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثلث باقی‌بماند. نتایج آزمون ملنایی در نگاره (۳) درج گردیده است. براساس آزمون‌ها چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند. همان‌گونه که در نگاره (۳) ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم‌جمعی وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت. در رگرسیون کاذب، معناداری ضرایب به صورت کاذب است.

نگاره ۳. آزمون مانایی متغیرهای پژوهش - آزمون فیلیپس پرون

نام متغیر	نماد	آماره	احتمال	نتایج
محافظه‌کاری حسابداری	CONS	-۲۲/۶۸۱	۰/۰۰۰	مانا
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	-۲۱/۹۰۲	۰/۰۰۰	مانا
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	-۲۰/۷۰۹	۰/۰۰۰	مانا
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	-۳۶/۸۵۸	۰/۰۰۰	مانا
نوع حسابرس	AUDIT	-۲۲/۹۹۷	۰/۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	FSIZE	-۲۳/۰۳۶	۰/۰۰۰	مانا
سودآوری	PROF	-۲۲/۵۶۵	۰/۰۰۰	مانا
اهرم مالی	LEV	-۲۱/۸۴۹	۰/۰۰۰	مانا
رشد فروش	SALESGR	-۲۲/۶۴۳	۰/۰۰۰	مانا

### هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی پژوهش

هم‌خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم‌خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در حالت وجود هم‌خطی علی‌رغم عدم معنی‌داری ضرایب، ضریب تعیین مدل بزرگ خواهد شد و این نتایج متناقض دارای تورش و عدم کارایی خواهد بود. معیار عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که واریانس ضرایب مدل در حالت وجود هم‌خطی نسبت به حالت نبود هم‌خطی، تا چه میزان متورم شده است. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل‌های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

### تحلیل چند متغیره

به منظور آزمون فرضیه‌ها از نتایج تخمین مدل‌های ارلته شده در نگاره (۴) با رویکرد داده‌های ترکیبی و از الگوی اثرات تصادفی استفاده شده است. و نتایج آن در نگاره (۴) ارائه گردیده است.

معناداری آماره فیشر در مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد که مدل‌ها معنادار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل اول بیان می‌کند که متغیرهای مستقل مدل حدود ۹۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و ضریب تبیین تدی شده مدل دوم ۹۱ درصد است. مقدار آماره دوربین-واتسون در مدل اول و دوم نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده‌های مدل‌ها مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد؛ بنابراین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌توان به نتایج برآورد مدل‌ها اتکا نمود. مقادیر عامل تورم واریانس (در مقاله ارائه نشده است) هر دو مدل (کمتر از ۱۰) نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل مدل هم‌خطی وجود ندارد.

نگاره ۴. نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

نام متغیر	نماد	مدل اول	مدل دوم
مقدار ثابت	C	-۰/۴۴۵** (-۲/۵۱۵)	-۰/۴۶۵** (-۲/۶۹۱)
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	۰/۰۳۳ (۱/۷۴۲)	۰/۰۵۵ (۱/۷۹۲)
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	-۰/۱۸۱*** (-۳/۰۳۱)	-۰/۲۱۱** (-۳/۱۵۲)
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	-۰/۰۶۵** (-۲/۳۵۲)	-۰/۰۸۴** (-۲/۸۰۱)
نوع حسابرس	AUDIT	-۰/۰۸۱*** (-۲/۸۹۱)	-۰/۰۹۲*** (-۲/۹۹۲)
نوع حسابرس*اندازه هیأت مدیره	BSIZE*AUDIT	-	-۰/۰۳۳ (-۱/۷۴۵)
نوع حسابرس*استقلال هیأت مدیره	NXD*AUDIT	-	-۰/۰۱۱* (-۱/۹۸۱)
نوع حسابرس*دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD*AUDIT	-	-۰/۰۲۵* (-۱/۹۹۲)
اندازه شرکت	FSIZE	۱/۱۴۱*** (۵۱/۷۸۵)	۱/۱۷۸*** (۵۴/۰۳۵)
سودآوری	PROF	-۰/۰۱۱ (-۱/۵۸۲)	-۰/۰۴۵ (-۱/۶۹۵)
اهرم مالی	LEV	۱/۱۱۴*** (۱۸/۴۱۱)	۰/۴۹۹ (۱/۴۵۵)
رشد فروش	SALESGR	۳/۱۵۱*** (۵/۱۱۲)	۲/۱۰۱*** (۳/۰۱۱)
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۰۱	۰/۹۱۲
دوربین- واتسون		۱/۶۵۵	۱/۷۰۱
آماره F		۵۷۷/۶۰۱***	۵۰۷/۵۰۲***

\*\*\* بیانگر معناداری در سطح ۱۰، ۵، ۱ درصد است

**فرضیه اول:** بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر اندازه هیأت مدیره بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۸) بیشتر از سطح خطای ۱۰ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد.

**فرضیه دوم:** بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر استقلال هیأت مدیره بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۰) کوچکتر از خطای ۱ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین استقلال هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد با استناد به ضریب تأثیر این متغیر در مدل پژوهش، که در جهت منفی (۰/۱۸-) به‌دست آمده شواهد حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. یعنی افزایش (کاهش) استقلال اعضای هیأت مدیره موجب کاهش (افزایش) میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. از این‌رو فرضیه پژوهش در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می‌شود.

**فرضیه سوم:** بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر دوگانگی مدیر عامل بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۲) کوچکتر از خطای ۵ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین دوگانگی مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد با استناد به ضریب تأثیر این متغیر در مدل پژوهش، که در جهت منفی (۰/۰۶-) به‌دست آمده شواهد حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین دوگانگی مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. یعنی افزایش (کاهش) دوگانگی نقش مدیر عامل موجب کاهش (افزایش) میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. از این‌رو فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

**فرضیه چهارم:** کیفیت حسابرسی رابطه بین ساز و کار راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند؛ باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر تاملی اندازه هیأت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی و اثر تاملی استقلال هیأت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی و اثر تاملی دوگانگی نقش مدیر عامل و اندازه مؤسسه حسابرسی بر محافظه‌کاری حسابداری (کوچکتر از سطح خطای ۱۰

...

درصد به‌دست آمده است. می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابداری رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ بررسی شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (شواهد پژوهش) نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر اندازه هیأت مدیره قرار نگرفته است. در نتیجه بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد؛ مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵) و موافق با پژوهش الشانیدی و حسنین (۲۰۱۴) است.

نتایج نشان می‌دهد که تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های ایران، عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی نیست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر استقلال اعضای هیأت مدیره قرار گرفته است؛ در نتیجه بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد؛ شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵) است.

نتایج نشان می‌دهد که تعداد اعضای مستقل هیأت مدیره در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است و هیأت مدیره با مدیران غیرمؤلف بالاتر تمایل دارند که محافظه‌کاری حسابداری کمتری را در گزارشگری خود بخواهند. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرمؤلف و مستقل در هیأت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به‌عنوان افرادی مستقل به کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت شایانی می‌کند؛ با توجه به نتایج پژوهش، مدیران غیرمؤلف نقش نظارتی فعالی بر عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران داشته و در این شرکت‌ها به دلیل کنترل و نظارت مدیران غیر اجرایی، محافظه‌کاری کاهش یافته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر دوگانگی نقش مدیر عامل قرار گرفته است؛ در نتیجه بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵)، نتایج نشان می‌دهد که دوگانگی نقش مدیر عامل در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. در نتیجه با تفکیک وظیفه مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره، محافظه‌کاری در شرکت‌ها کاهش پیدا کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر نوع حسابرس قرار گرفته است. در نتیجه بین نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، موافق با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و مغایر با پژوهش درخشانی (۱۳۹۵) است.

نتایج نشان می‌دهد که انتخاب سازمان حسابداری در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعدیل رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. در نتیجه صاحب‌کاران دارای حسابرس از سازمان حسابداری از محافظه‌کاری کمتری استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است وجود تفاوت در حجم نمونه پژوهش، تفاوت در ساختار شرکت‌های مورد مطالعه، به‌کارگیری شاخص‌ها و معیارهای متفاوت اندازه‌گیری متغیرها، تفاوت در استانداردها و قواعد تهیه اطلاعات دو کشور و تفاوت در شرایط اقتصادی و سیاسی دو کشور می‌تواند از دلایل تناقض نتایج پژوهش حاضر با نتایج سایر پژوهشگران باشد. از این‌رو تعمیم تئوری‌های پشتوانه نتایج به‌دست آمده به محیط ایران (بازارهای نوظهور) باید با تامل بیشتری انجام گیرد؛ زیرا ممکن است نتایج به‌دست آمده ناشی از عواملی باشند که خاص بازارهای ایران هستند.

نتایج پژوهش حاضر دارای کاربردهایی است؛ این پژوهش با نشان دادن این که محافظه‌کاری حسابداری پیامدهای اقتصادی برای سهامداران از طریق کانال راهبری شرکتی دارد، به ادبیات مدیریت و حسابداری مالی کمک می‌کند. نتایج پژوهش برای سیاست‌گذارانی که نگران پیامدهای عدم اجرای صحیح راهبری شرکتی در شرکت‌ها هستند، می‌تواند جالب باشد. نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در نظام راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری نیز پیشنهاد نماید. پژوهش حاضر پیامدهای متعددی برای استانداردها، مدیران شرکت‌ها و هیئت مدیره دارد. برای استانداردها، محافظه‌کاری حسابداری باید به‌عنوان یک ابزار نظارتی احتیاطی اضافی برای کاهش اعمال مدیریت و در نتیجه بهبود کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شود. مدیران شرکت‌ها می‌توانند روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه را برای جلوگیری از هرگونه شکست مالی آینده و خطرات دادخواهی در نتیجه افشای گزارش‌های مالی تحریف‌شده، اجرا کنند. برای هیئت مدیره، افزایش ویژگی‌های خاص مدیران هیئت مدیره باید هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد و کارایی کلی شرکت را بهبود بخشد.

این پژوهش دارای چندین محدودیت است، دوره مطالعه بسیار کوتاه است و محافظه‌کاری حسابداری فقط بر اساس یک مدل اندازه‌گیری شده است و همچنین از تمام ساز و کارهای راهبری شرکتی استفاده نشده است. به پژوهشگران آتی نیز پیشنهاد می‌شود که از دوره زمانی طولانی‌تری استفاده نمایند و از معیارهای دیگر راهبری شرکتی و یا از روش‌های دیگر محاسبه محافظه‌کاری استفاده نمایند.

#### منابع

جلیلی، مونا و اسعدی، عبدالرضا (۱۴۰۱). اثر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۵۶)، ۲۰۷-۲۲۲.

درخشانی، محمود (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ساز و کار راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۶(۳)، ۵۱-۷۲.

رشیدیان، مینا، پاک‌مرام، عسگر و بیک‌زاده، جعفر (۱۳۹۳). رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۴(۲)، ۶۱-۷۹.

مرادزاده فرد، مهدی، بنی‌مهدی، مهدی و دینداری‌زادی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی. مجله حسابداری مدیریت، ۴(۸)، ۱۰۲-۸۹.

ناظمی‌اردکانی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۴)، ۱۳۲-۱۱۳.

Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of accounting and economics*, 43(2), 411-437.

Ahmed, K., & Henry, D. (2012). Accounting conservatism and voluntary corporate governance mechanisms by Australian firms. *Accounting & Finance*, 52(3), 631-662.

Ball, R., & Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of accounting research*, 44(2), 207-242.

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings 1. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.

Basu, S. (2005). Discussion of "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and modeling". *Review of Accounting Studies*, 10, 311-321.

Chi, W., Liu, C., & Wang, T. (2009). What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective. *Journal of contemporary accounting & economics*, 5(1), 47-59.

Chrisman, J. J., Chua, J. H., Kellermanns, F. W., & Chang, E. P. (2007). Are family managers agents or stewards? An exploratory study in privately held family firms. *Journal of Business research*, 60(10), 1030-1038.

Cullinan, C. P., Wang, F., Wang, P., & Zhang, J. (2012). Ownership structure and accounting conservatism in China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21(1), 1-16.

- Daily, C. M., Dalton, D. R., & Rajagopalan, N. (2003). Governance through ownership: Centuries of practice, decades of research. *Academy of Management Journal*, 46(2), 151–158.
- Derakhshani, M. (2016). Investigating the Impact of Corporate Governance Mechanism on Contingent Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 6(3), 51-72. (in persian)
- Hajawiyah, A., Wahyudin, A., Kiswanto, Sakinah, & Pahala, I. (2020). The effect of good corporate governance mechanisms on accounting conservatism with leverage as a moderating variable. *Cogent Business & Management*, 7(1), 1779479.
- Ho, J. A. (2009). Association between board characteristics and accounting conservatism: Empirical evidence from Malaysia (Doctoral dissertation, Auckland University of Technology).
- Jalili, M., & Asadi, A. R. (1401). The effect of corporate governance mechanisms on accounting conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing research*, 14(56), 207-222. (in persian)
- Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360.
- Khan, M., & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 132-150.
- Lim, R. (2011). Are corporate governance attributes associated with accounting conservatism? *Accounting & Finance*, 51(4), 1007-1030.
- Moradzadeh Fard, M., Bani Mahd, M., & Dindar yazdi, M. (2011). Investigating the Relationship between Accounting Conservatism and Corporate Governance. *Journal of Management Accounting*, 4(8), 89-102. (in persian)
- Nasr, M. A., & Ntim, C. G. (2018). Corporate governance mechanisms and accounting conservatism: evidence from Egypt. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 18(3), 386-407.
- Nazemi Ardakani, M. (2016). Investigating the Impact of Corporate Governance and Conservatism on the Predictability of Neural Network-Based Bankruptcy Models. *Journal Empirical Accounting Research*, 5(4), 113-132. (in persian)
- Rashidian, M., Pak Maram, A, & Beikzadeh, J. (2014). The Relationship between State Ownership and Conditional Accounting Conservatism in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 4(2), 61-79. (in persian)
- Ross, S. (1973). The economic theory of agency: The principal's problem. *American Economic Review*, 63(2), 134–139.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52(2), 737-783.
- Sundaramurthy, C., & Lewis, M. (2003). Control and collaboration: Paradoxes of governance. *Academy of management review*, 28(3), 397-415.
- Wang, Z. R. (2009). „Accounting Conservatism“, Victoria University of Wellington (Doctoral dissertation, doktorski rad).
- Wasserman, N. (2006). Stewards, agents, and the founder discount: Executive compensation in new ventures. *Academy of Management Journal*, 49(5), 960–976.
- Zelmiyanti, R. (2014). Perkembangan Penerapan Prinsip Konservatisme dalam Akuntansi. *JRAK: Jurnal Riset Akuntansi dan Komputerisasi Akuntansi*, 5(1), 50-55.